

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره:

آن چه پیش رو دارید متن سخنرانی «حجه الاسلام والمسلمین دکتر ثقفی» پژوهشگر و محقق مطالعات علوم اسلامی می باشد که در تاریخ ۹۹/۳/۳۱ به مناسبت سالروز بسیج اساتید تحت عنوان "دولت اسلامی حلقه ی مستتر در بیانیه گام دوم انقلاب" در محل سازمان بسیج اساتید ایراد شده است. نظر به اهمیت مباحث مطروحه این مطالب جهت بهره برداری مسئولان و اعضای شبکه ی ملی قدرت نرم تقدیم می گردد

دولت اسلامی، حلقه مستتر در بیانیه گام دوم انقلاب

بحث ما در مورد بیانیه گام دوم انقلاب است یک بیانیه بسیار مفصل بسیار پر نکته و در عین حال مقداری پیچیده و طبیعی است که در این فرصت کوتاه امکان اینکه بتوانیم یک بحث جامع داشته باشیم که تمامی ابعاد را به تفصیل داشته باشد نخواهیم داشت لذا ناگزیر هستیم که یک بعد از بحث مرتبط با بیانیه گام دوم انقلاب را مطرح کنیم.

محور اصلی بیانیه گام دوم انقلاب و آنچه که امروز ما به آن نیاز داریم موضوعی با عنوان دولت اسلامی حلقه مستتر در بیانیه گام دوم انقلاب است، این موضوع را انتخاب کرده ایم چون به نظر ما این یک موضوع فوری و حیاتی از بیانیه گام دوم است البته مباحث گام دوم زیاد است ما تا جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی تا آمادگی برای ظهور ولایت عظمی، اما

امروز نیاز فوری و حیاتی ما از این بیانیه چیست؟ ما باید به این نیاز فوری پردازیم و امیدوارم در بحثی که ارائه خواهیم کرد در انتها به یک نتایج عملی برسیم یعنی صرفاً یک تبیین نظری از بیانیه نباشد.

این بیانیه یک سفره گشوده است برای عموم مردم اما حرف هایی هم برای خواص دارد و از دل این می توان با نقشه های راه عملی مورد نیاز، برای پیوند دادن قطعات، حرکت عمومی کشور به سمت چشم اندازهای مشخص شده را تصحیح کرد و ساخت.

بخش اول: مسائل بیانیه در خود بیانیه

در بخش اول ما یک مروری به مسائل بیانیه در خود بیانیه می کنیم البته به این مسائل به طور جامع نخواهیم پرداخت فقط می خواهیم نشان بدهیم که حقیقتاً گستره مسائل مندرج در بیانیه بسیار بسیار وسیع است و هر کدام از این ها شایسته مطالعه و تأمل و تفسیر و تعمق و پیگیری و تبیین نظری و نهایتاً رساندن آن به سرانجام های عملی است در حال حاضر یک تابلوی عمومی از بخش اول ارائه می کنیم از مباحثی که در خود بیانیه آمده است و از متن بیانیه با استفاده از بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی. اولاً ساختار کلی بیانیه به یک معنا چهار بخش دارد:

بخش اول: معرفی و تبیین جایگاه انقلاب

بخش دوم: شناخت پیشینه انقلاب

بخش سوم: برکات انقلاب

بخش چهارم: سرفصلها و توصیه های اساسی

در مورد هر کدام از اینها می توان بحث های فراوانی انجام داد اما الان تمام این ها اولویت ندارد ما برای این جلسه می خواهیم بحثی را تقدیم شما کنیم مثلاً در بخش اول در شاخصه ها و ویژگی های انقلاب ۲۷ مولفه از شاخصه های انقلاب را استخراج کرده ایم که اگر توجه بشود به هر کدام از این شاخص ها ، تصدیق می فرمایید که درباره هر کدام از اینها مطالب فراوان می توان گفت اما الان در مورد اینها نمی خواهیم صحبت کنیم . ما اول معلوم کنیم که نیاز ما فعلاً از بیانیه چیست و اگر این نیاز را از داخل بیانیه استخراج کردیم آن وقت خود این بیانیه به ما کمک می کند که از این فهرست های فراوان سراغ کدام یک از موضوعات باید برویم .

در مورد بیانیه تاکنون یک رویکرد نظری و عملی اتخاذ شده که خوب است اما این رویکرد یک رویکرد راهبردی و عملیاتی به ما نمی دهد ، به ما کمک نمی کند که مثلاً تکلیف خود را بدانیم یا برای ۵ سال آینده تکلیف خودمان را بدانیم و حال آن که این بیانیه یک بیانیه چهل ساله است بنابراین ما باید قطعه به قطعه ، سال به سال ، مرحله به مرحله و پله به پله با این بیانیه برویم جلو . یا در بخش سوم از برکات انقلاب اسلامی ما می بینیم که ۱۶ دستاورد از دستاوردهای انقلاب اسلامی را می توان استخراج کرد که البته این فهرست ، فهرست کاملی نیست یک احصاء کاملی نیست زیرا موضوعات بسیار مفصل است و خیلی از این ها را شاید کسانی کار کرده اند و صدها موضوع از بیانیه گام دوم استخراج کرده باشند که تک تک این موارد شایسته تأمل و توقف می باشد یا مثلاً در بخش دیگری از این بیانیه بحثی می باشد تحت عنوان آسیب شناسی وضع موجود که یک مقداری با این بحث کار داریم با این که هر کدام از این محورها در هر کدام از این فهرست ها شایسته تفصیل است اما در اینجا یک نکته ای وجود دارد شما اگر ۹ آسپی را که از متن خود بیانیه مشخص و فهمیده می شود را ببینید یک نکته مهم در این بیانیه موضوع سراسر امید و سراسر نشاط دادن

در بیانیه است به خصوص وقتی مقام معظم رهبری می‌خواهند آن ۷ توصیه را بفرمایند ، می‌فرمایند اولین و در صدر همه این ها و مهمترین این‌ها مسئله امید دادن به مردم و نسل جوان می‌باشد این توصیه مهم ترین توصیه و درس در توصیه های رهبر معظم انقلاب می‌باشد .

این بیانیه چه در مورد پیشینه انقلاب و چه در مورد ماندگاری انقلاب و چه در مورد ریشه های انقلاب و چه در مورد برکات و دستاوردهای انقلاب و چه در مورد افق های بسیار بزرگی که ما در آینده از انقلاب سراغ و انتظار داریم تمام این ها را به حساب امید می‌گذاریم در این بیانیه سراسر امید که البته این یک نکته ای دارد و ناظر است به مسائلی که در جامعه می‌گذرد در جامعه‌ای که از زمین و زمان عده ای می‌خواهند مردم را مایوس کنند جوان را ناامید کنند و متاسفانه این دامنه یاس افکنی و یاس پراکنی به خودی ها هم دارد می‌رسد ما معمولاً در جلسات نقد و انتقاد می‌کردیم ولی این آرام آرام شد عادت ثانویه و بعد رفته رفته ، دستاوردها و پیشرفت‌های انقلاب را ندیدیم و رفته رفته فضای جامعه شد فضای نقد و انتقاد و اعتراض و لذا در این فضا رهبری کارش این است که امید را احیا کند.

در همین بیانیه می‌بینیم که آسیب های مهمی که در چهل سال اول انقلاب وجود داشته اینجا بیان شده است و این نکته مهمی است و اتفاقاً بحث ما هم اشاره ای به این دارد چرا که وقتی گفته می‌شود ما در ۴۰ سال گذشته دستاوردهایی داشته‌ایم و در کنار آن گفته می‌شود که باید به کجا برسیم و تأملی در آن می‌شود معلوم می‌شود که ما می‌توانستیم زودتر از این به اهداف ترسیم شده در گام دوم برسیم که نرسیدیم این یک نکته‌ای است که وجود دارد یعنی هر وجدان منصف و انقلابی این را تایید می‌کند که ما می‌توانستیم جلوتر برویم ما یک آسیب‌هایی دیدیم لذا این بحث آسیب‌ها را فعلاً یک بحث اجمالی کردم و خیلی به آن نمی‌پردازم .

ما برای مرحله سوم این مراحل پنجگانه انقلاب احساس می کنیم یک تأخیری وجود دارد که این یک بحث مستقل است و باید جداگانه آن را بحث کرد به عنوان دانشهای پشتیبان بیانیه.

بیانیه گام دوم تنها با بیانیه گام دوم فهمیده نمی شود بلکه با رجوع به عقبه دانشی و تئوریکی فهمیده می شود که در ۳۱ سال بیانات رهبری و متخذ از بیانات امام وجود دارد لذا شرح بیانیه گام دوم را باید در مکتب انقلاب اسلامی جستجو کرد. یا مثلاً فرض بفرمایید مقام معظم رهبری در مورد ویژگیهای جوانی که باید بیاید در این میدان کار کند ۷ ویژگی را گفته اند مثلاً مومن باشد انقلابی باشد کارآموده باشد با انگیزه باشد گذشته را بشناسد مسئولیت پذیر باشد امیدوار باشد اینها خصوصیات است اما همین جوان با این اوصاف را ما چگونه تربیت کنیم این مسئله در بیانیه دیگر بحث نمی شود یا مثلاً در این بیانیه ۷ سرفصل ذکر می شود در مورد علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی و عزت ملی و مرزبندی با دشمن، تغییر سبک زندگی که هر کدام از اینها خودشان یک فصل مجزایی هستند اما شما ملاحظه می فرمایید که در بخش هفتم رهبر معظم انقلاب به یک اشاره بسنده می کنند و عبور می کنند در مورد سبک زندگی. از اینها معلوم می شود که بیانیه در یک جاهایی فقط سرفصل ارائه کرده است و باید رفت سراغ تفاسیر که در متون دیگری که گفته اند وجود دارد که مهمترین متن، بیانات خود رهبر معظم انقلاب است، و یا مثلاً ایشان در جای دیگری در سخنرانی که الان با این سخنرانی هم خیلی کار داریم می فرمایند من در این بیانیه چهار نکته اصلی مورد نظر بود ۱- عظمت حادثه انقلاب به لحاظ وقوع انقلاب و ماندگاری انقلاب ۲- عظمت انقلاب به لحاظ راهی که طی شده و کارکرد و دستاوردهایی که در زمینه های سیاسی اجتماعی علمی عدالت آزادی داشته اما امروز من از شما سوال می کنم چند درصد حزب اللهی ها اعتماد به نفس دفاع از دستاوردهای انقلاب

اسلامی را به عنوان دستاوردهای عظیم و پر افتخار می‌دانند؟ چند درصد از ما حاضریم بگوییم که دستاوردهای انقلاب اسلامی در این چهل سال در زمینه عدالت افتخار آمیز بوده است؟ اینها نکاتی است که باید باز شود ما تعارف که نداریم این انقلاب یک حقیقت است ما با حقیقت نمی‌توانیم تعارف داشته باشیم اگر این انقلاب حقیقتاً یک کارنامه افتخار آمیز از عدالت دارد باید رفت این را پیدا کرد با تعارف و ابلاغ نمی‌شود این را پیدا کرد و با بیان رهبری هم نمی‌شود که ایشان بفرمایند و ما هم تکرار کنیم باید رفت و نشان داد باید رفت روی زمین و اینها را به دیگران نشان داد اینها تمام آن مباحثی است که می‌توان در مورد آن بحث کرد یا مثلاً عظمت چشم‌اندازی که در پیش رو داریم حقیقتاً بحث دولت اسلامی و جامعه اسلامی و تمدن اسلامی این سه مورد در این عصر تحققش عظمتی دارد به اندازه عظمت تاریخ بشر به شرطی که آن حلقه آخر را اتصال بدهد یعنی ظهور ولایت عظمی . اگر تاملی بشود همین مسئله که قرار است سه حلقه در انقلاب اسلامی وصل شود به آن سه حلقه موعود و مورد انتظار همه بشریت ، آن وقت عظمت این سه حلقه معلوم می‌شود که چیست . این ها واقعا از قسمت هایی است که چشم انسان را خیره می کند اگر ما درست به آن نگاه کنیم .

مسئله بعدی عظمت نقش نیروی جوان متعهد است که اگر بیاید در میدان و این چشم‌انداز عظیم را محقق کند معلوم می‌شود که اینها چه جوانانی هستند از آن جوانانی که حضرت امیر علیه السلام میخواست آنها را و یا حضرت رسول اکرم آرزوی اینها را می کرد می فرمود یارانم یارانم . این ها همان جوانان می توانند باشند.

مهمترین سرفصل بیانیه :

به نظر بنده مهمترین سرفصل بیانیه این عبارت اصلی است که "انقلاب اسلامی پرشکوه ملت ایران تنها انقلابی است که یک چله پر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر گذاشته است" و اینک این انقلاب وارد دومین مرحله خود سازی و جامعه پردازی شده است. اگر گام فعلی ما گام دوم است و اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است بنابر این، این مرحله دوم انقلاب همان بیانیه گام دوم است.

این گام دوم چه چیزهایی است عرض می کنم که سه قطعه دارد:

۱) خودسازی انقلاب، ۲) جامعه پردازی انقلاب، ۳) تمدن سازی انقلاب.

توجه بفرمایید به ضمیر خودسازی یعنی خودسازی متعلق به چه چیزی است خودسازی متعلق به انقلاب است یک اشتباهی متأسفانه دارد رایج می شود که می گوید باید برویم سراغ خودسازی تا جامعه ساخته بشود و این تا ساخته بشود یک رهنمی دارد، ما که با خودسازی مخالف نیستیم ولی آیا خودسازی مقصود خودسازی فردی است یعنی ما باید برویم سراغ خودسازی فردی و بعد برویم سراغ جامعه سازی. حالا اینجا سوال مطرح می شود که حکومتی ها هم بروند خودسازی کنند حالا اگر نکردند چی؟ الان ۴۰ سال است به آنها می گوئیم خودسازی کنید ولی نمی کنند، پول را بیشتر دوست دارند، مقام را بیشتر دوست دارند نمی خواهند خودسازی کنند، حالا باید چه کار کنیم؟ پس دولت را بگذاریم کنار؟ مردم خود سازی کنند جوانان خود سازی کنند بعد برویم جامعه سازی کنیم. سوال؟ پس برای چه انقلاب کردیم خب دولت که دست شاه بود پس چه فرقی کرد؟ پس معلوم می شود از این که می گویند دولت خودسازی کند، خودسازی فردی نیست. مطلب بعد اینکه چرا می گوئیم خودسازی، جامعه سازی و تمدن سازی؟ شما فعلاً با مسامحه قبول

بفرمایید که مقصود از جامعه پردازی همان جامعه سازی است چون فعلاً این محل بحث ما نیست محل بحث ما خودسازی است این خودسازی یعنی چی و کجا است؟

شما در یک سه گانه‌ای قبلاً از رهبر معظم انقلاب شنیده‌اید که ما سه مرحله در پیش داریم دولت اسلامی جامعه اسلامی و تمدن اسلامی حالا جا دارد سوال کنیم که دولت اسلامی چی شد؟ مرحله اولی که ما رفتیم به سمت این پنج مرحله در این چهل سال، تمام شد، انقلاب و نظام تأسیس شد محقق شد اما سه گام هنوز مانده است از مرحله اول و الان در مرحله دوم هستیم باید چه باشد قاعدتاً دولت اسلامی جامعه اسلامی تمدن اسلامی. پس دولت اسلامی چه شد؟ چرا در بیانیه گام دوم از دولت‌سازی نام برده نشده است؟ سوال این است که آیا برده نشده است؟ این جا است که ما نشان خواهیم داد که دولت اسلامی در حقیقت حلقه مستتر است در بیانیه گام دوم و به وضوح و روشنی این به امید خدا اثبات خواهد شد. اما این که چرا رهبر معظم انقلاب عبارت دولت سازی را نگفته اند اجازه بدهید این چرا را نگاه داریم که خودش یک بحث دارد یک عقبه تاریخی دارد یک تحلیل اجتماعی سیاسی فرهنگی در شرایط فعلی دارد که فعلاً نمی‌توانیم آن را باز کنیم این باشد برای بعد، اما می‌شود سر خط‌هایی را با تفکر باز کرد و پی برد، به اینکه که چرا رهبر انقلاب در بیانیه از دولت سازی اسم نیاورده‌اند.

وقتی که گفته می‌شود خودسازی، احساس می‌کنیم که باید به جای خودسازی انقلاب عبارت دولت‌سازی باشد و اتفاقاً دولت‌سازی هم هست. شما توجه بفرمایید رهبر انقلاب بعد از صدور بیانیه در دیدار با طلاب در اردیبهشت ماه یعنی سه ماه بعد از صدور بیانیه این عبارت را دارند که ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه اسلامی به معنای واقعی و سپس تمدن اسلامی به معنای واقعی به وجود بیاید ببینید نویسنده و گوینده

بیانیه گام دوم، سه ماه بعد از آن بیانیه از دولت اسلامی اسم آورده اند، در یک دیدار خاص طلبگی و نه در یک بیانیه عمومی، برای سالهای بسیار خطر و پرفراز و نشیب حساسی که در پیش داریم فرمودند ما منتظر دولت اسلامی هستیم اینجا یک اختلال ظاهری به وجود می آید در بیانیه فرموده اند خودسازی انقلاب و اینجا بعد از بیانیه می فرمایند ما منتظر دولت اسلامی هستیم پس ما باید بین دولت اسلامی و خودسازی انقلاب یک قرابتی را بینیم بلکه به نظر این همانی است حالا چرا تعبیر خودسازی گفته شده است، این توضیحاتی دارد که فعلاً به آن نمی پردازیم شما قبل از بیانیه گام دوم هم در سال ۹۶ دارید که آقا با تلخی گزنده ای خطاب به طلاب تهرانی می فرمایند که ما جامعه اسلامی نداریم ما دولت اسلامی هم نداریم این تعبیر البته خیلی تعبیر تندی است در کشوری که نظام اسلامی ۴۰ سال است که مستقر است و خود رهبر که باید کارنامه ارائه بفرمایند می گویند دولت اسلامی هم نداریم و بعد از آن مراحل چندگانه ای که ما مطرح کردیم هنوز در دولت اسلامی اش مانده ایم تعبیر را ببینید می فرمایند هنوز در دولت اسلامی اش مانده ایم این ماندن تعبیر تلخی است، برای اینکه مخاطب بالاخره یک جوری تعجب کند که چرا؟ چون حضرت آقا از سال ۷۰ دارد این را می گوید عرض کردم ما این پیشینه را فرصت نمی کنیم که بگوییم که حضرت آقا کجا گفتند در چه مقطعی گفتند اینها فعلاً بماند.

بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه اسلامی است ملاحظه می فرمایید که حضرت آقا از سال ۹۶ فرمودند که بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه اسلامی است و سال ۹۷ بفرمایید که باید برویم سراغ جامعه سازی و خودپردازی پس دولت اسلامی کجا رفت؟ پس معلوم می شود که دولت اسلامی همان خودسازی است همین مقدار که این احتمال را تقویت می کند که خودسازی همان دولت سازی است کافی است، جلوتر که برویم از خود متن بیانیه بیرون خواهد آمد که حضرت آقا در بیانیه می فرمایند مدخل و گلوگاه حرکت گام دوم ما تحقق

دولت اسلامی است این از داخل بیانیه بیرون خواهد آمد منتهی به کمک بیان خود حضرت آقا در یک سخنرانی که الان توضیح خواهم داد .

آسیب ها را مقداری گفتم و این که رهبر معظم انقلاب در بیانیه می فرماید: «بی شک فاصله میان باید ها و واقعیت ها همواره وجدان های آرمان خواه را عذاب داده و می دهد.» یعنی امروز ما یک چنین وضعیتی داریم باید به این توجه کنیم که واقعاً وضع عذاب آوری است یعنی در عین حال که انقلاب پیشرفت کرده ولی وقتی انسان نگاه می کند این تناقض چگونه قابل جمع است که از یک طرف خیلی پیشرفت داشته ایم خیلی افتخار می کنیم و از طرفی دیگر داریم عذاب می کشیم این دو چگونه قابل جمع است ؟ به این صورت که ما نسبت به انقلاب های دیگر نسبت به حجم مشکلات و فشارهایی که دشمن وارد کرده دستاوردهای افتخارآمیزی داشته ایم اما نسبت به ظرفیتی که در درون این انقلاب هست یعنی مردم ، رهبری و این مکتب به آنچه که باید می رسیدیم، نرسیدیم و حال آن که می توانستیم برسیم، و در واقع نسبت به آن نقطه ای که در چهلمین سال باید می بودیم خیلی فاصله داریم، این چیزهایی که ما در جامعه می بینیم از فقر از اقسام فسادهای اخلاقی اجتماعی اقتصادی و غیره اینها واقعاً عذاب آور است شایسته نظام اسلامی و جامعه اسلامی و دولت اسلامی نیست، این وضعیت که ما مرتب، دادگاه برای مختلصین و مفسدین اقتصادی تشکیل بدهیم و اینها صف بکشند در دادگاه و بعد هم بعضی هایشان فرار کنند بعضی هایشان سرنوشت بدی پیدا کنند و این واقعاً باعث ناراحتی و عذاب وجدان است بنابراین باید توجه کرد که علت چیست؟ علت این است که جامعه اسلامی تشکیل نشده است و قبل از آن نیز دولت اسلامی تشکیل نشده است .

این سوال که چرا دولت سازی در بیانیه گام دوم تصریح نشده است این را اجازه بدهید که خود شما روی آن فکر کنید و ما اینجا در مورد اینکه دولت سازی در بیانیه ذکر شده و این اولویت دارد مطالب مهمتری را عرض می کنیم .

بخش دوم: شرح بیانیه در بیان مولف بیانیه

اکنون وارد بخش دوم می شویم که در واقع بخش عملی بحث است و شتاب بیشتری پیدا می کنیم به سمت عملیات و بعضی مطالب ملموس تر.

در بخش دوم، بیانیه را شرح می دهیم از بیان مولف بیانیه. کجا ؟ در بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ یکم خرداد ۹۸ که چند ماه بعد از صدور بیانیه با دانشجویان صحبت هایی می کنند که این صحبت ها به درد بسیج اساتید می خورد، به درد اساتید بسیجی می خورد که موضوعش دانشگاه است و راهکارهایی که حضرت آقا برای دانشجو و دانشگاه بیان کرده اند و اتفاقاً شروع صحبت های ایشان در مورد بیانیه گام دوم انقلاب است .

در واقع این اولین شرح بیانیه ۴ ماه بعد از صدور آن، توسط خود رهبر معظم انقلاب صورت گرفت. ایشان می فرمایند که چند مطلب ذیل عنوان بیانیه گام دوم عرض می کنم و بعد می فرمایند: این صحبت راجع به بیانیه نیست. یعنی نمی خواهند در مورد بیانیه مفصل توضیح دهند که به نظر بنده یک برشی عملیاتی از بیانیه را اینجا می خواهند برای دانشجویان باز کنند. چون اصلاً رویکرد حضرت آقا در بیانیه گام دوم یک رویکرد عملیاتی است تا رویکرد نظری. رویکرد نظری حضرت آقا در ۳۰ سال گذشته تمام شده است و آنچه که باید درباب مبانی نظری این سه مرحله یعنی تحقق دولت، جامعه و تمدن گفته می شد گفته شده است و تدوین هم شده است اما چون مشکلاتی در اجراء پیش آمده حضرت آقا خودشان آمده اند و با همان بیانی که اخیراً در نیمه خرداد امسال داشتند برای حضرت امام و

آن این که امام هم تحول خواهد بود و هم تحول آفرین . حضرت آقا هم می‌خواهد خودش، تحول آفرین عملی بکند چون در ۳۰ سال گذشته کارنامه تحول نخبگان چندان کارنامه موفقی نیست اگر به خودمان نگاه کنیم می‌بینیم زحمت کشیده شده به ازای آن هم پیش رفته‌ایم اما وقتی نگاه می‌کنیم به ظرفیت‌ها، می‌بینیم این کارنامه، موفق نیست حضرت آقا در بیانیه وارد تحول عملی شده‌اند تعبیری دارند در همین نیمه خرداد و می فرمایند که امام فقط یک استاد تحول نبود یک مدرس تحول نبود یک معلم تحول نبود بلکه یک فرمانده میدان برای تحول بود لذا حضرت آقا در هیئت فرماندهی به میدان آمده‌اند و دارند آن جریانی را که پیش‌تاز است و قرار است به خط بزند در این عملیات ، یعنی جوان دانشگاهی را به خصوص آماده می‌کنند برای عملیات که عملیات چگونه باشد ایشان می‌فرمایند بیانیه گام دوم یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده انقلاب است و یک تصویر سازی کلی راجع به مسائل اساسی و اصلی انقلاب است و می‌فرمایند وارد جزئیات نشدیم و بعد می‌فرمایند در یک بیانیه نمی‌شود خیلی این چیزها را تفصیل داد یک کتاب یا دو کتاب باید نوشت جا دارد جا برای تفصیل و فکر و مطالعه و تعمیق این حرف‌ها وجود دارد برای این که بفرمایند که اینها حرف‌های من نیست.

این رویکردی که ما مطرح می‌کنیم با استفاده از همین راهنمایی رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان است که می‌فرمایند من که الان نمی‌خواهم برای شما یک کتاب حرف بزوم که البته ما هم نمی‌خواهیم الان این کار را انجام دهیم چون تمام آن سرفصل‌هایی که گفتیم اگر همانها را بگویم می‌شود یک کتاب. ایشان در مورد عظمت بیانیه می‌فرمایند: چهار نکته اصلی مورد تاکید در این بیانیه وجود دارد که این را بعداً ما به آن توجه کردیم چون ساختار بندی بیانیه را اول طور دیگری انجام دادیم .

از اینجا به بعد خواهش می کنم مقداری همراه تر باشید با سیاق بیانات حضرت آقا در دیدار با دانشجویان، که ما از داخل بیانیه نقش اساتید را متوجه بشویم. این طرح در میدان باید توسط چه کسانی فرماندهی بشود؟ توسط اساتید باید مطرح بشود. قرارگاه هایی باید تشکیل بشود، الان این قرارگاه ها نیست. حضرت آقا در این سخنرانی می فرمایند که خودتان بروید مراکز را تشکیل بدهید. اما تا اساتید جوان ما که حالا البته جوان هم تعریف دارد جوان به لحاظ جسمی یا سنی تا ۴۰ سال جوان است و به لحاظ روحی و تحرک تا ۷۰ سال هم می تواند جوان باشد. چون آقا فرمودند؛ من حاج قاسم سلیمانی را تا ۱۰ سال دیگر می گذاشتم بماند. پس جوان می تواند اساتید بسیجی نسل سن بالا مثل ما باشد که تحرک داریم فعالیت داریم و تنبل نیستیم کسالت نداریم نشاط داریم امید داریم تحرک داریم اگر کسی این ها را داشت در هر سنی که بود نامش جوان است. بنابراین آقا می فرمایند: یک مراکزی باید ایجاد بشود که این مرکز ها را قاعدتاً باید اساتید ایجاد کنند. فرمودند که دانشجویان حلقه میانی ایجاد کنند. بعد فرمودند که این حلقه میانی باید به آن مرکزیت، راهبری، برنامه ریزی، هدایت، رصد لحظه به لحظه را برعهده داشته باشد اما اولی است که اساتید این کار را انجام بدهند و اساتید باید جای خالی شان را در این میدان پر کنند، منتهی در این میدان دستور عملیات و طرح عملیات چیست؟ اینجا فرمانده کل قوا خودشان طرح عملیات را هم ریخته اند. این از آن چیزهای عجیب و جالب است که باید به رده های پایینی انگشت اشاره را نشان بدهد به سمت دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، در واقع فرمانده کل قوا این است که بگوید حصر آبادان باید شکسته شود. حالا این که از کجا باید برویم، بزنیم یا چگونه دشمن را قیچی کنیم؟ این را که دیگه امام نباید می گفت. یا خرمشهر باید آزاد شود را که امام نباید بگویند چگونه؟ اما الان امام ما دارد می گوید چگونه باید خرمشهر ها را آزاد کرد که حالا به آن خواهیم رسید یعنی الان کار به اینجا رسیده است با تاسف باید بگویم

در غیبت قرارگاه هایی که فرماندهی باید بکنند این اتفاق افتاده است و ما باید این مسئله را پر کنیم.

مسئله بعد عظمت نقش جوان است. اصل حرف رهبری در این سخنرانی با این شروع می شود که می فرمایند؛ ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم اندازها نیاز داریم. چشم اندازها چه مواردی بود، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی، چیزی که در بیانیه آمده است خود سازی چشم انداز نیست اما جامعه پردازی و تمدن سازی چشم انداز است. می فرماید: ما به حرکت عمومی به سمت آن چشم انداز نیاز داریم. می فرمایند که نیاز به یک حرکت عمومی در کشور به سمت آن چشم انداز داریم این حرکت عمومی وجود دارد اگر نداشت که ما به اینجا نمی رسیدیم. منتها چند خصوصیت باید داشته باشد؛ انضباط، سرعت، پس معلوم می شود ما بی نظمی و کندی داشته ایم، حرکت کردیم به سمت جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، اما متاسفانه بی نظم و متاسفانه کند. می فرماید پیشرفت باید محسوس باشد این حرکت عمومی باید یک چنین خصوصیتی داشته باشد لذا یک حرکت عمومی معقول و منضبط خواهیم داشت حرکت غوغا سالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد یعنی این که حالا از فردا شروع کنیم سر و صدا راجع به دولت اسلامی راجع به جامعه اسلامی، می فرماید حرکت پر سر و صدا یعنی همایش برگزار کردن همایش هایی که از داخل آن عمل در نمی آید چند تا کتاب در می آید که برای سوابق استفاده می شود برای ثوابش میشود استفاده کرد اما این همایش ها نوعاً همایش هایی که از داخل آن عملیات بیرون بیاید نیست و تکلیف عملیات را مشخص نمی کند لذا باید معقول باشد معقول بودن یعنی اینکه امروز عقل به ما می گوید حرفی بزنیم که بتوانیم به آن عمل کنیم این می شود عقل. بعد از این می فرمایند این حرکت عمومی چون جوانان متعهد محور این حرکت هستند بینیم فرایند

ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟ الان داریم قدم به قدم به آن دولت مستتر نزدیک می‌شویم، جوان‌های متعهد که محور این حرکت هستند و می‌توانند موجب تحول عظیم در نظام مدیریت کشور بشوند.

کلید واژه مدیریت در بیانیه نیست شما به هفت توصیه حضرت آقا نگاه بکنید که خطاب به جوانان است. در کدامش گفته‌اند که شما بروید مدیریت را بگیرید. البته در معنویت فرمودند که اگر دولتمردان معنوی نباشند این اتفاق نخواهد افتاد ولی به جوان بی‌نوا چه ربطی دارد؟ جوان بی‌نوا که نمی‌تواند برود دولت را بگیرد، جوان شاید در این بیانیه از این جهت منفعل بشود که من باید چه کار بکنم در این وضعیت؟ باید برای اینها فکری شود و این گره‌ها باز شود. خود حضرت آقا در این سخنرانی که عرض کردم مطرح فرموده‌اند این را باز کرده‌اند می‌فرمایند تحول عظیم. تحول راهم در نیمه خرداد امسال توضیح دادند فرمودند امام مردم را متحول کردند برای مرحله اول و دوم بنده وقتی نگاه کردم به آن ۹ تحولی که امام انجام داد دیدم امروز هر ۹ مورد نیاز هست در تراز دولت سازی و جامعه-سازی و تمدن سازی، فرمود امام، نگاه مردم را متحول کرد از مسائل پیش پا افتاده در زمان شاه که همه ما یادمان است این مسائل پیش پا افتاده چه بود اما ناگهان یک دفعه مسئله مردم شد اسلام. شما نگاه بکنید تحول در نگاه مردم را و الان هم این اتفاق باید بیفتد و بدانیم اگر این اتفاق نیفتاد گام دوم شبیه گام اول می‌شود ولی این اتفاق می‌افتد چون تمام عوامل فراهم است نگاه به دین فردی بود مردم از دین فردی بیرون آمدند و گفتند باید حکومت طاغوت سرنگون شود این کار را کردند و امروز نگاه به دین باید از همین وضعیتی که هست خارج می‌شود و تبدیل بشود به نگاه دین دولت ساز، نگاه دین جامعه ساز، نگاه دین تمدن ساز. باید این تحول در مردم ایجاد بشود و نه صرفاً در خواص که در خواص هم اگر عمیق فهمیده باشند باید کار کنند لذا باید به اینها توجه کرد.

موضوع بعدی عناصر مورد نیاز برای حرکت عمومی است که من از این سریع می گذارم چون این یک بحث نظری است که باید در جای خودش مطرح شود.

عنصر اول در این رابطه می فرمایند شناخت زمانه است یعنی جوان و هر کسی که می خواهد وارد این حرکتی عمومی بشود حرکت را و تحول آفرین باشد باید فرصت ها و تهدیدات ، دوستان و دشمنان را بشناسد.

عنصر دوم جهت گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است این حرکت باید به این سمت برود.

عنصر سوم عامل امید بخش و یک نقطه روشن را باید به مردم نشان داد.

چند تا از این موارد را ذکر می کنند:

۱- ظرفیت های ملی که مردم توانستند یک انقلاب بزرگ را شکل بدهند یک جمهوری اسلامی مثل معجزه عبور از دریا برای بنی اسرائیل یا معجزه عصای موسی.

۲- مسائل انقلاب اسلامی و تاسیس نظام اسلامی که مردم انجام دادند.

۳- نگهداشتن این نظام که این هم معجزه است که اگر کسی منصف باشد و واقعا خدا پیغمبر سرش بشود قبول می کند و سر تسلیم و خضوع در مقابل این انقلاب معجزه آفرین فرود می آورد

۴- فرسودگی جبهه مقابل است. ایشان سال ۹۸ فرمودند بنده به طور قاطع می گویم امروز تمدن غربی دچار انحطاط و در حال زوال است البته تمدن ها ناگهان فرو نمی ریزند بلکه فرسایشی، موریانه وار و تدریجی ، تا ضربه آخر که ناگهان تمدنی فرو می ریزد

۵- از همه اینها مهم‌تر وعده تخلف ناپذیر خداوند است که فرموده «ان تنصرالله ينصرکم» و بعد این آیه را ببینید که چطور ترجمه می‌فرمایند، می‌فرمایند اگر شما نصرت کردید دین خدا را یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید خدا شما را یاری می‌کند از این امیدبخش تر چه چیزی وجود دارد که خدای این عالم، قادر مطلق در این عالم وعده می‌دهد که شما اگر در این مسیر حرکت کنید من شما را یاری می‌کنم. وقتی که خدا یاری کرد چه کسی می‌تواند انسان را به زمین بزند این هم در مورد عنصر سوم.

بخش پایانی: راهکارهای عملی

عنصر چهارم؛ راهکارهای عملی در هر برهه‌ای از زمان است. محل بحث ما اینجا است. یک سوال مستتر اینجا وجود دارد چرا مستتر؟ خوب آقا جان این را بیان می‌کردید و واضح می‌گفتید. می‌فرماید یک سوال مستتر وجود دارد، این سوال مستتر با آن دولت اسلامی در بیانیه گام دوم خیلی قرابت دارد و بنده می‌گویم منطبق است.

آن سوال مستتر این است ببینید اصلاً حضرت آقا اشاره می‌کنند توجه می‌دهند و تمرکز می‌دهند روی سوال مستتر و می‌فرمایند محل بحث ما اینجا است و بعد می‌فرمایند که تبیین آن سه عنصر قبلی نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا که تبیین بشود اما این چهارمین راهکار عملی احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه به لحظه برای پیشبرد کاروان عظیم جامعه و جوان‌های جامعه. این به یک مرکزیتی نیاز دارد و بعد می‌فرماید مسئول تمرکز و ایجاد برنامه کاری برای پیدا کردن راهکار و ارائه راهکار و برنامه ریزی کیست. می‌فرماید جریانهای حلقه‌های میانی.

این جریان‌های حلقه‌های میانی چه کسانی هستند؟ می‌فرماید برنامه‌ریزان هستند از اینجا به بعد می‌خواهم اساتید معزز را توجه بدهم به نقش استاد در دانشگاه که او است که می‌تواند

راهکار پیدا بکند. برنامه‌ریزی بکند. رصد بکند. دائماً لحظه‌به‌لحظه پیگیری کند هدایت کند کار را، دانشجو آن عنصر خط شکن است. آن عنصر پیشران است به تعبیری که آقا دارند. آن لوکوموتیوی است که این واگن‌ها را می‌کشد. اما این لوکوموتیو فقط قدرت جوانان نیست. بلکه ریل می‌خواهد. مقصد می‌خواهد. جهت می‌خواهد. و بعد می‌فرماید: که نه به عهده رهبری است نه دولت و نه دستگاه‌های دیگر، بلکه به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است به عهده نخبه‌های فکری است، یعنی اساتید؛ بنشینند و برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند و بعد فهرست اینها را می‌فرمایند، تشکل‌های دانشجویی مجموعه‌های با تجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری، زمام کار دست کسانی باشد که فعالیت کنند بسیجی باشند به معنای واقعی تنبلی، بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمی‌خورد با تنبلی و کسالت نمی‌توان این کار را جلو برد و بعد راهکارهای بعدی را مشخص می‌فرمایند: تشکیل کارگروه‌های فرهنگی که اینها هر کدام برای خودش مطالبی دارد. دوم تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی نه حزب بازی بلکه تبیین سیاسی و تحلیل سیاسی، تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاه‌ها، تشکیل گروه‌های نهضتی برای مسائل بین‌المللی، تشکیل گروه‌های علمی، همکاری با مراکز علمی، همکاری با شرکت‌های دانش بنیان، کار اقتصادی، کارهای خدماتی، گروه‌های جهادی، فعالیت‌های اطلاعاتی، کارهای اجتماعی. و بعد می‌فرمایند از این قبیل ۵۰ تا راهکار می‌شود پیدا کرد. چه کسی باید پیدا کند؟ دانشجویان پیدا کنند، اساتید پیدا کنند حالا اینها معلوم می‌شود برای چه کاری است بحث مدیریتی که آقا مطرح کردند اینجا مطرح می‌شود.

بحث بعدی ایشان اصول کار، کارگروه‌ها است که این کارها باید به دست جوانان انجام شود با الهام‌گیری از جهت‌گیری کلی در جهت رسیدن به جامعه اسلامی و تمدن اسلامی و اینجا که پایان بحث ما می‌باشد تشکیل دولت جوان حزب الهی پیش نیاز این حرکت

عمومی است آقا می فرمایند سرانجام، کشاندن نسل جوان متعهد به عرصه مدیریت کشور. در عرصه مدیریت کشور یعنی چی؟ آیا یعنی خودسازی؟ آیا یعنی جامعه پردازی، یا یعنی تمدن سازی؟ این جا یعنی دولت سازی. و جوان هم باید کشیده بشود به عرصه مدیریت کشور که در این جا مانع وجود دارد، یکی از دوستان گله می کردند که جوان ها را به عرصه مدیریت راه نمی دهند معلوم است که راه نمیدهند چون یک عده ای صندلی شان گرم شده است حاضر نیستند تحویل بدهند جا خوش کرده اند و ممکن است کشور را هم به آتش بکشند کما اینکه در دهه ۸۰ هم این کار را کردند و در دهه ۹۰ پیچیده تر عمل کردند پیچیده و پیچیده تر از دهه ۸۰ عمل کردند و معلوم شد که ما خیلی باید از این توانمند تر باشیم تا بتوانیم در همه عرصه ها ورود کارشناسانه و عملی داشته باشیم.

آن هفت توصیه، یعنی جوان ها بروید درس های مدیریت کشور را بشناسید چگونه؟ با همین کارگروه ها. و با ورود به حل مسئله در هر سطحی که می توانید اگر این کار را کردید آن وقت شما مسئله را شناخته اید، وقتی گفتند مثلاً نفت می فهمید نفت در اقتصاد ما چقدر نقشش مهلک است وقتی گفتند وابستگی به دلار آن وقت شما می فهمید، وقتی گفتند فضای مجازی، با همه وجود آن حس را می کنید که این فضای مجازی چگونه راه را برای هر تحول عظیم می بندد وقتی گفتند تحلیل سیاسی می فهمید که بعضی از آدمهای شارلاتان در این کشور چگونه نعل وارونه می زنند خودشان خراب می کنند و خودشان می شوند اپوزیسیون، خودشان می شوند منتقد، خودشان می دزدند خودشان هم فریاد می زنند دزد. امروز وضع ما این است اگر جوان ما این ظرافت ها و پیچیدگی ها را شناسد نمی تواند راه را پیدا کند فرمودند فراخوان دادند بروید در این مجموعه ها کار کنید بنابراین اینجا اولین تعبیر از مدیریت در سخنرانی می شود و ورود در عرصه مدیریت، می فرمایند برای نسل جوان از این راه ها اتفاق می افتد و بعد وقتی که نسل جوان وارد مدیریت شد نتیجه، تحقق دولت

می‌شود، می‌فرماید اگر نسل جوان وارد عرصه مدیریت شد و مدیران ارشد نظام از جمله جوان‌های متعهد شدند آن وقت آن حرکت عمومی کشور طبعاً استمرار پیدا می‌کند به سمت تمدن و جامعه اسلامی و سرعت پیدا می‌کند پس معلوم می‌شود که جوان باید وارد بشود و این جوان باید مدیریت را در دست بگیرد تا ما جامعه پردازی و تمدن‌سازی داشته باشیم.

آن خودسازی انقلاب معنایش این است یعنی حرکت عمومی به سمت جامعه و تمدن اسلامی، ببینید حضرت آقا هفت توصیه در بیانیه به جوان‌ها فرمودند: شما در این ۷ محور وارد بشوید. حالا سوال این است که چه کسی باید وارد بشود؟ جوان باید وارد بشود، حالا کار که دست دیگران است، جوانان چگونه بدون دولت این توصیه‌ها را عملی کنند؟ این سوالی است که در بیانیه وجود دارد. این سوال را آقا در این سخنرانی توضیح دادند که البته به نظر ما در بیانات قبلی حضرت آقا هم بوده است. لذا است که عرض می‌کنم مسئله تشکیل دولت پیش‌نیاز و مقدمه برای جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است و این تشکیل دولت اسلامی عبارت دیگرش همین دولت جوان حزب‌اللهی است که دانشگاه‌ها نقش مهمی در این جا دارند و بالا سر دانشجویان این جریان هدایتگر و رصدگر و برنامه ریز یعنی اساتید هستند که می‌توانند برای تحقق دولت اسلامی کار بکنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته